مرتضی مبلغ در گفت‌وگو با «ایران»:

بدون توافق ملی عبور از بحران‌ها دشوار است

انسجام ملی مهم‌ترین مؤلفه بازدارندگی در برابر دشمن است

گفت وگو

الهام یوسفی
گروه سیاسی

در شرایطی که کشور با جنگ و تهدیدهای مختلف مواجه است، انسجام ملی و شکل‌گیری توافقی فراگیر حول منافع و اولویت‌های مشترک، بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. عبور از شرایط دشوار کنونی، علاوه بر تقویت توان دفاعی و دیپلماسی، نیازمند همدلی اجتماعی، به‌رسمیت‌شناختن تکثر سیاسی، ترمیم شکاف‌های داخلی و ایجاد زمینه‌ای برای مشارکت همه جریان‌ها و گروه‌های اجتماعی در تعیین سرنوشت کشور است. در چنین شرایطی، تبدیل همبستگی ایجاد شده در شرایط جنگی، به سرمایه‌ای پایدار و تقویت وفاق ملی، نه‌تنها ضرورتی برای عبور از بحران، بلکه یکی از مؤلفه‌های اصلی امنیت و بازدارندگی کشور به شمار می‌رود. مرتضی مبلغ، فعال سیاسی و معاون سیاسی وزارت کشور دولت اصلاحات در گفت‌وگو با «ایران» با تأکید بر همین ضرورت، از موانع تداوم انسجام ملی، نقش جریان‌های سیاسی و نهادهای رسمی در تقویت یا تضعیف آن سخن گفته و انسجام داخلی را مهم‌ترین مؤلفه بازدارندگی کشور دانسته است.

کشورمان طی یک سال گذشته درگیر جنگ و مسائل امنیتی بوده است با این حال شاهد جلوه‌هایی از همبستگی و تعلق ملی در جامعه بودیم. اکنون سؤال این است که چطور می‌توان این همبستگی را از یک واکنش مقطعی به سرمایه‌ای اجتماعی و پایدار تبدیل کرد؟

عوامل مختلفی در تبدیل همبستگی اجتماعی به یک سرمایه پایدار نقش دارند. جنگ و تجاوزی که علیه کشور صورت گرفت، چه در جریان جنگ تحمیلی دوم سال گذشته و چه در جنگ تحمیلی سوم، فرصت‌های ارزشمندی را برای تقویت انسجام اجتماعی فراهم کرد. در چنین شرایطی، مردم با وجود برخورداری از گرایش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت، هنگامی که احساس کنند دشمنی متجاوز قصد آسیب‌زدن به کشور و نابودی آن را دارد، انگیزه بیشتری برای همبستگی و اتحاد پیدا می‌کنند و زمینه شکل‌گیری انسجام ملی فراهم می‌شود. بااین حال، مشکل اصلی این است که از این فرصت بسیار مهم، آن‌گونه که باید استفاده نشده است. این مسأله دلایل مختلفی دارد. یکی از دلایل آن این است که به‌محض فروکش‌کردن نسبی آتش جنگ، بسیاری فراموش می‌کنند که همچنان در شرایط جنگی قرار داریم و تصور می‌کنند باید دوباره به رقابت‌های سیاسی و مسائل معمول بازگردند. دلیل دیگر به برخی جریان‌های افراطی و تندرو در کشور بازمی‌گردد که اساساً از اتحاد و انسجام ملی منتفع نمی‌شوند. منافع این جریان‌ها اغلب در رقابت‌های حاد، درگیری‌ها و ایجاد تنش‌های مختلف تعریف می‌شود. البته این مسأله محدود به یک جریان سیاسی نیست، اما برخی طیف‌های شناخته‌شده تندرو که به بهانه حمایت از نظام یکه‌تازی می‌کنند، در این زمینه نقش جدی‌تری دارند. عامل دیگر به عقیده من فعالیت عوامل نفوذی و وجود حفره‌های مختلف امنیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کشور است. این عوامل نیز به‌خوبی می‌دانند که انسجام ملی و سیاسی ـ اجتماعی می‌تواند فرصت را از متجاوزان بگیرد و مانع ادامه تجاوز آنها شود. بنابراین، تلاش می‌کنند با سوءاستفاده از شرایط موجود و حفره‌های مختلف، اجازه ندهند این انسجام تداوم پیدا کند و به سرمایه‌ای پایدار تبدیل شود. در کنار این موارد عملکرد دستگاه‌های مختلف نیز اهمیت دارد و نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. برخی از این دستگاه‌ها، به‌ویژه در حوزه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای، یا به اهمیت و عمق مسأله توجه کافی ندارند یا زمینه لازم را برای تعمیق و تداوم انسجام اجتماعی فراهم نمی‌کنند. حتی گاهی عملکرد آنها به‌گونه‌ای است که به تضعیف این انسجام منجر می‌شود. نمونه‌های این مسأله را در برخی رسانه‌های رسمی و همچنین در قالب برخی سوءاستفاده‌های جناحی از تجمعات خیابانی شبانه مشاهده می‌کنیم. جایی که مردم با ایثار و ازخودگذشتگی و با انگیزه دفاع از ایران و اسلام و به دور از پیگیری منافع جناحی در آنها حضور پیدا می‌کنند. برای نمونه در صداوسیما گاهی شاهد حضور کارشناسانی هستیم که نه از دانش و تخصص کافی برخوردارند و نه توجه لازم را به مصالح عمومی و منافع ملی دارند. اظهارنظرهای برخی از این کارشناسان به ایجاد شکاف اجتماعی منجر می‌شود. همچنان که برخی تصمیم‌ها و مواجهه‌های حقوقی بدون توجه به پیامدهای آن می‌توانند زمینه‌ساز تشدید شکاف‌های اجتماعی شوند.

جریان‌ها و طیف‌های سیاسی در این میان چه نقشی دارند؟

قطعاً جریان‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز می‌توانند نقش مهمی در تعمیق وحدت و انسجام اجتماعی داشته باشند. البته گاهی واکنش این جریان‌ها به رفتارهای تندروانه یا عملکرد نادرست برخی رسانه‌های رسمی نیز به‌گونه‌ای است که خود آنها به تشدید شکاف‌ها دامن می‌زند. بنابراین، برای عبور از این وضعیت، به یک حرکت چندلایه و فراگیر نیاز داریم. چرا که تقویت و پایدارسازی انسجام ملی صرفاً با یک حرکت یک‌سویه امکان‌پذیر نیست؛ بلکه باید مجموعه‌ای از عوامل و جریان‌های مختلف در این مسیر نقش‌آفرینی کنند. همان عواملی که موجب تشدید شکاف‌ها می‌شوند و مانع شکل‌گیری وحدت پایدار هستند، باید با مشارکت و همکاری مجموعه‌ای از نیروها و نهادهای متنوع خنثی شوند. بااین حال همچنان معتقدم که در رأس همه این عوامل مؤثر در تقویت انسجام ملی، عملکرد برخی نهادها قرار دارد. رفتار این دستگاه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های تأثیرگذار، اثر جدی بر جامعه دارد و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز می‌تواند پیامدهای مهمی داشته باشد. رفتارهای نادرست و به دور از مصلحت برخی رسانه‌ها و نهادها موجب می‌شود دیگر جریان‌های اجتماعی نیز در واکنش به آنها موضع‌گیری کنند و رفتارهایی از خود نشان دهند که زمینه‌ساز تشدید اختلافات باشند. ازاین‌رو، نهادهای مختلف باید مراقبت و نظارت جدی‌تری داشته باشند به‌ویژه صداوسیما.

حاکمیت از اقتدار و ابزارهای لازم برای مدیریت و نظارت بر دستگاه‌ها و افراد زیرمجموعه خود برخوردار است و می‌تواند عملکرد آنها را در این زمینه ساماندهی و هدایت کند.

یکی از موضوعاتی که در بحث انسجام داخلی مطرح می‌شود، این است که برخی کارشناسان معتقدند در شرایط کنونی و با توجه به تأکید بر وحدت ملی، باید از نقد و رقابت‌های سیاسی چشم‌پوشی کرد. اما نقد در همه شرایط، چه در دوران بحران و چه در شرایط ثبات، جایگاه خود را دارد و می‌تواند سازنده باشد. چگونه می‌توان میان ضرورت حفظ وحدت ملی، رقابت سیاسی و نقد تعادل برقرار کرد؟

برخی این مفاهیم را در نقطه مقابل یکدیگر قرار می‌دهند، درحالی که اساساً چنین نیست. انسجام اجتماعی و وحدت عمومی بر سر منافع ملی، به‌هیچ‌وجه با نقد سازنده منافاتی ندارد؛ بلکه این دو در امتداد یکدیگر قرار دارند. اتفاقاً نقد سازنده می‌تواند به تقویت انسجام اجتماعی و وحدت ملی کمک کند. البته مسأله به چند نکته بازمی‌گردد. نخست اینکه در شرایط جنگی، برخی نقدها برخلاف انسجام ملی عمل می‌کنند. منظور نقدهایی است که موجب تضعیف روحیه مردم، آسیب‌دیدن افکار عمومی و ایجاد اضطراب و نگرانی در جامعه می‌شوند. همچنین نقدهایی که میان سیاست‌های کلان کشور، برای مثال در حوزه بازدارندگی نظامی و مدیریت افکار عمومی، شکاف ایجاد می‌کنند، می‌توانند مخرب باشند. گاهی شاهد انتقادهایی هستیم که به‌شدت علیه دیپلماسی کشور مطرح می‌شوند یا با توهین و فحاشی به برخی مسئولان دستگاه دیپلماسی همراه هستند. چنین نقدهایی بسیار مخرب‌اند. همین مسأله می‌تواند در جهت عکس نیز اتفاق بیفتد؛ یعنی نیروهای نظامی مورد انتقادهای بی اساس قرار گیرند یا تضعیف شوند. آنچه می‌تواند سازنده باشد، نقد روش‌ها و رویکردهای نادرستی است که در کشور وجود دارند و ممکن است به وحدت و انسجام ملی آسیب بزنند. همچنین باید به جریان‌ها و مجموعه‌هایی که در اصلاح این وضعیت تأثیرگذارند، تذکر داده شود. به بیان دیگر، همه دلسوزان کشور، اعم از فعالان سیاسی، اجتماعی و مدنی و همچنین مدیران و مسئولان، باید با رویکردی دلسوزانه و در راستای منافع، مصالح و امنیت ملی نسبت به نقاط ضعف، مشکلات و کاستی‌های قابل‌رفع انتقاد کنند و برای اصلاح آنها پیشنهادهای مشخص ارائه دهند. در مقابل، نقدی که با انگیزه انتقام‌گیری مطرح شود، می‌تواند شکاف‌ها را افزایش و نفرت‌پراکنی را توسعه دهد. این شیوه‌های کنشگری از هر طرف و با هر انگیزه‌ای که باشد، مخرب است. نقد سازنده و مسئولانه می‌تواند به افکار عمومی آرامش ببخشد، آمادگی کشور را برای تقویت بازدارندگی افزایش دهد و به دیپلمات‌های ما کمک کند تا با قدرت و شجاعت بیشتری در عرصه بین‌المللی عمل کنند و از فرصت‌های موجود برای تقویت بازدارندگی و فراهم‌کردن زمینه‌های صلح پایدار بهره ببرند.

از دیدگاه برخی کارشناسان، کشور به یک توافق ملی درباره اولویت‌های امنیت، اقتصاد، سیاست داخلی و توسعه کشور و بهبود شرایط نیاز دارد. اگر شما نیز همراه با این گزاره هستید، چگونه می‌توان آن را ساخت؟

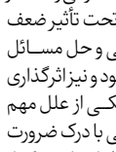
این کار بسیار دشوار و پیچیده‌ای است. آقای پزشکیان نیز با همین راهبرد و رویکرد به قدرت رسیدند. این راهبرد بسیار مهمی است که هدف آن گردآوردن همه گرایش‌ها، احزاب، گروه‌ها و سلیقه‌های مختلف زیر چتر واحدی به نام چتر ملی است؛ به‌گونه‌ای که هر جریان و گروهی بتواند ضمن حفظ مواضع و دیدگاه‌های خود، در چارچوب منافع مشترک ملی مشارکت داشته باشد. البته تحقق این هدف به بسترهای مختلفی نیاز دارد از جمله فرهنگ‌سازی جدی و اهتمام ویژه همه جریان‌های کشور. رقابت‌های سیاسی باید در بستری سالم و سازنده شکل بگیرند، نه اینکه به رقابت‌های مخرب و تقابل‌های فرسایشی تبدیل شوند. از سوی دیگر، برخی رفتارها و رویکردهای موجود در کشور نیز مانع شکل‌گیری چنین توافقی هستند. برای مثال، در موضوعاتی مانند نظارت‌های انتخاباتی، نحوه مواجهه با معترضان و منتقدان و بروز برخی رفتارهای تبعیض‌آمیز، مشکلات جدی وجود دارد. بنابراین در کنار جریان‌های سیاسی نهادهای رسمی هم نیازمند یک بازخوانی اصلاحی در رویکردهای خود و اتخاذ سیاست‌هایی سازنده‌تر هستند. در میان گروه‌های سیاسی نیز باید فرهنگ تعامل و گفت‌وگو تقویت شود. متأسفانه سال‌هاست از گفت‌وگو و تعامل سخن می‌گوییم، اما در عمل گام‌های بسیار محدودی در این زمینه برداشته شده است. هنوز شاهد نیستیم که میان دو حزب یا دو جریان سیاسی مخالف، گفت‌وگوها و تعاملات سازنده و مؤثری شکل بگیرد تا طرفین بتوانند از طریق این گفت‌وگوها به یکدیگر نزدیک‌تر شوند و دست‌کم سوءتفاهم‌ها و برداشت‌های نادرست و غیرواقعی خود را درباره یکدیگر برطرف کنند. این در حالی است که ما همواره از ضرورت گفت‌وگو سخن می‌گوییم و حتی برخی از گفت‌وگو با دشمن صحبت می‌کنند، اما در داخل کشور، میان جریان‌های سیاسی و گروه‌های مختلف، گفت‌وگوی سازنده بسیار محدود است. اگر گفت‌وگو و تعامل در داخل کشور تقویت شود، در عرصه دیپلماسی و مناسبات بین‌المللی نیز با قدرت بیشتری ظاهر خواهیم شد. ما شاهدیم که حتی در درون جناح‌های سیاسی نیز گاهی اختلافات جدی شکل می‌گیرد. به گونه‌ای که اگر به دو جریان اصلی سیاسی کشور نگاه کنیم، می‌بینیم که گاهی اختلافات شدیدی میان آنها وجود دارد که به تخطئه یکدیگر می‌پردازند. اینها متأسفانه بخشی از چالش‌ها و مشکلات سیاست داخلی ماست که باید برای اصلاح آنها تلاش شود. باید گفت‌وگو و تعامل را بیاموزیم، حق یکدیگر را به رسمیت بشناسیم و از طریق گفت‌وگوهای سازنده، نه تخریبی، به یکدیگر نزدیک‌تر شویم. در نهایت، باید شاخص‌های چتر ملی و وفاق ملی را توسعه دهیم و تقویت کنیم و آنها را به‌عنوان مبنایی برای تعامل و همکاری سیاسی و اجتماعی در نظر بگیریم.

> باید گفت‌وگو و تعامل را بیاموزیم، حق یکدیگر را به رسمیت بشناسیم و از طریق گفت‌وگوهای سازنده، نه تخریبی، به یکدیگر نزدیک‌تر شویم. در نهایت، باید شاخص‌های چتر ملی و وفاق ملی را توسعه دهیم و تقویت کنیم و آنها را به‌عنوان مبنایی برای تعامل و همکاری سیاسی و اجتماعی در نظر بگیریم

این توافق ملی بر سر اصول مشترک که شرح دادید چه نسبتی می‌تواند با موضوع این روزهای کشور یعنی دفاع از کشور در برابر تجاوز و حمله دشمن داشته باشد؟ می‌تواند وجهی از بازدارندگی کشور باشد؟

بله حتماً وجهی از توان بازدارندگی است. ما در شرایط جنگی و در برابر تجاوز گسترده‌ای که علیه کشور صورت گرفته، سه مؤلفه بسیار مهم برای بازدارندگی داریم. نخست، بازدارندگی نظامی است. نیروهای نظامی ما عملکرد خوبی داشته‌اند و همچنان در حال خدمت به کشور هستند. البته باید بیش از گذشته آماده باشند، توانمندی‌های خود را ارتقا دهند و تجهیزات لازم را برای مقابله با تجاوزهای احتمالی فراهم کنند. مؤلفه دوم بازدارندگی به دیپلماسی بازمی‌گردد. دیپلماسی قدرتمند، مؤثر و مبتکرانه نیز یکی از پایه‌ها و عوامل مهم بازدارندگی است. اما مهم‌تر از همه اینها، همان‌طور که همگان بر آن تأکید دارند، انسجام ملی و وحدت داخلی است. اگر به رفتار دشمن نیز دقت کنیم، می‌بینیم که بخش مهمی از سرمایه‌گذاری و راهبرد اولیه آن بر مختل‌کردن همین انسجام متمرکز بوده است. هدف این بوده که در داخل کشور مشکلات و اختلافات ایجاد شود، چنددستگی افزایش یابد، آسیب‌ها و نارضایتی‌ها تشدید شوند و در نتیجه، نوعی آشفتگی اجتماعی شکل بگیرد تا دشمن بتواند از این شرایط به نفع خود بهره‌برداری کند. بنابراین، انسجام ملی را باید قدرتمندترین عامل بازدارندگی کشور دانست. اگر دشمنان کشور احساس کنند که یک انسجام ملی پایدار، همراه با هماهنگی و وحدت حول منافع ملی، مصالح ملی، امنیت ملی و ارزش‌های ایرانی و باورهای مشترک مردم شکل گرفته و روزبه‌روز تقویت می‌شود، بدون تردید در محاسبات خود برای هرگونه تجاوز و حمله تجدیدنظر و طمع چنین اقداماتی را از سر خود بیرون خواهند کرد. به همین دلیل، انسجام ملی سومین مؤلفه بازدارندگی و در عین حال یکی از مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین آن است.

یادداشت



مجتبی بیات
رئیس مرکز ارتباطات مردمی ریاست جمهوری

ایران هرچه قوی‌تر با دولت و جامعه قوی

چندی پیش رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در پیام روز ملی مبارزه با استکبار جهانی «تنها راه رسیدن به نقطه بازدارندگی مطلق» در برابر دشمنان ایران را «استمرار راهبرد ایران هرچه قوی‌تر در مسیر پیشرفت همه‌جانبه» دانستند. آنچنان‌که از مواضع ایشان برمی‌آید تحقق این راهبرد، مستلزم «هم‌عهدی» و ایفای وظایف متقابل مردم و مسئولین در قبال به فعلیت رساندن مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور است. در این ارتباط می‌توان سرمایه اجتماعی، مشارکت سازمان‌یافته مردم و هم‌افزایی جامعه و دولت برای حل مسائل انباشته را از مؤلفه‌های بنیادین قدرت ملی و پیشرفت و توسعه پایدار و همه‌جانبه به شمار آورد.

ایران هرچه قوی‌تر، همزمان محصول دولت کارآمدتر، بهره‌مندی پایدار از منابع و جامعه‌ای قوی‌تر است. برخورداری جامعه از شبکه‌های اجتماعی فعال و نهادهای نمایندگی‌کننده دغدغه‌مند، مستقل و مسئولیت‌پذیر که امکان اثرگذاری شهروندان بر سرنوشت جمعی خود را ارتقا می‌دهد از مؤلفه‌های مهم جامعه قوی است. این همان جامعه‌ای است که تکثر و تفاوت‌هایش توسط عناصر درونی خود و دستگاه‌های سیاست‌گذاری و اجرایی کشور به رسمیت شناخته شده و در عین حال حول ارزش‌های مشترک واجد همبستگی و انسجام اجتماعی است.

به‌رسمیت‌شناختن جامعه یعنی پذیرش این واقعیت که مردم و گروه‌های اجتماعی صرفاً مخاطب سیاست‌های عمومی یا دریافت‌کننده خدمات دولتی نیستند، بلکه آنان صاحبان تجربه، دانش اجتماعی، ظرفیت سازمان‌یابی و حق مشارکت در تعریف و حل مسائل عمومی‌اند. اما به نظر می‌رسد در شرایط ایران اکنون، بخش بزرگی از ظرفیت‌های اجتماعی، تحت تأثیر ضعف سازوکارهای نهادمند برای اتصال آنها به فرآیندهای حکمرانی و حل مسائل عمومی، از امکان اثرگذاری بر حل مسائل حوزه موضوعی خود و نیز اثرگذاری بر حل مسائل کلان کشور دور مانده‌اند. این دورماندگی یکی از علل مهم اختلال ارتباطی بین مردم و دولت است. مرکز ارتباطات مردمی با درک ضرورت مشارکت در ساختن دولت و جامعه‌ای هر چه قوی‌تر، به دنبال این است که از نهاد دریافت‌کننده پیام‌های مردم به نهاد پیونددهنده ظرفیت‌های اجتماعی با نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری عمومی تبدیل شود. گام برداشتن در این مسیر بیش از هر چیزی مستلزم به رسمیت شناختن سازمان‌های نمایندگی کننده مردم و البته مردمی است که در نتیجه سیاست‌گذاری‌های پیشین، توان تعیین زندگی اکنون و آینده خود را از کف داده‌اند. به عنوان مثال کارگران، جوانان، دانش‌آموزان، دانشجویان، اصناف، فرهنگیان، بازنشستگان، گروه‌های کم‌برخوردار، ساکنان مناطق حاشیه‌ای، افراد دارای معلولیت و بسیاری از اجتماعات محلی که ممکن است در آمارها و تقسیم‌بندی‌های اداری حضور داشته باشند؛ اما تجربه زیسته، نیازها و ظرفیت‌های آنان در نظام تصمیم‌گیری به اندازه کافی بازنمایی نمی‌شود.

از این رو، یکی از وظایف مهم ارتباطات مردمی، شناسایی و کاهش فاصله میان «مردم رسمی» و «مردم دیگر» است؛ یعنی فراهم‌کردن امکان دیده‌شدن و شنیده‌شدن همه گروه‌های اجتماعی، نه فقط آنهایی که به هر دلیلی به مجاری رسمی ارتباط با دولت دسترسی بیشتری دارند. به بیان دیگر تلاش ما این است که صدا، تجربه، مطالبات و ظرفیت‌های همه اقشار اجتماعی در سازوکارهای «ارتباطات حل‌مسأله‌ای» به اندازه کافی بازتاب پیدا کند. این به معنای مشارکت واحدهای ارتباطات مردمی در توزیع فرصت‌های مشارکت، ایجاد امکان شنیده شدن صداهای متنوع و فراهم‌کردن شرایط اثرگذاری واقعی گروه‌های اجتماعی بر تصمیمات عمومی است.

دولت قوی، دولتی نیست که بخشی از جامعه را به حاشیه براند یا همه امور را به‌تنهایی بر عهده بگیرد؛ بلکه دولتی است که بتواند ظرفیت‌های جامعه را شناسایی کند و به رسمیت بشناسد و برای حل مسائل عمومی به میدان بیاورد. در چنین الگویی، تشکل‌های مردم‌نهاد نه رقیب دولت، بلکه شرکای اجتماعی حکمرانی‌اند و مشارکت مردم نه امتیازی اعطایی، بلکه یکی از منابع مشروعیت، کارآمدی و موفقیت سیاست‌های عمومی است. در واقع ایران هرچه قوی‌تر، علاوه بر دولت، به جامعه‌ای هرچه قوی‌تر نیاز دارد؛ جامعه‌ای که همه گروه‌های آن امکان دیده‌شدن، شنیده‌شدن، سازمان‌یابی و اثرگذاری داشته باشند. از این منظر، ترمیم رابطه دولت و جامعه و تقویت نهادهای مدنی، نه صرفاً یک ضرورت ارتباطی، بلکه بخشی از راهبرد ملی توسعه همه‌جانبه ایران است.

از این‌رو مرکز ارتباطات مردمی ریاست جمهوری در چارچوب «راهبرد ایران هرچه قوی‌تر در مسیر پیشرفت همه‌جانبه» در دستورکار جدید خود، خود را نه صرفاً واسطه انتقال نامه‌ها و درخواست‌ها، بلکه تسهیل‌گر ارتباط میان جامعه و دولت می‌داند. مأموریت ما کمک به ترمیم اختلال ارتباطی از طریق ایجاد مسیرهای مؤثر برای شنیده‌شدن صداهای متنوع جامعه و پیوندزدن مطالبات مردم و ظرفیت تشکل‌ها با میزهای تصمیم‌سازی و حل مسائل است: از جمله با تحلیل محتوای داده‌های سامانه ارتباط مردم و دولت (سامد)، انجام نظرسنجی‌های علمی، برگزاری نشست‌های «با هم برای ایران، گفت‌وگوی مسأله‌محور با تشکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد» و تشکیل میزهای «تبیین، تسهیل‌گری و حل مسأله». ما برای تحقق این مأموریت، در حال حرکت از موقعیت «دریافت و ارجاع درخواست» و نزدیک شدن به موقعیت «مشارکت در شناخت، تبیین، تسهیلگری و پیگیری حل مسأله» هستیم و از مواجهه موردی با مطالبات به تحلیل الگوهای مسائل انباشته در حوزه‌های سیاستی و عملکردی دولت و از ارتباطات مناسبتی و مقطعی (مانند مراسم‌ها و سفرهای رئیس جمهوری و دیگر مقامات) به ارتباطات مستمر و نهادمند گام برمی‌داریم.

نفت پارس

آگهی دعوت به شرکت در مزایده عمومی مستمر فروش ضایعات ۴-۱۴۰۵

نوبت اول

شرکت نفت پارس در نظر دارد اقلام ضایعاتی و مازاد مستمر حاصل از تولید خود (پالایشگاه و کارگاه اشتهارد) را که شامل اقلام ذیل می باشد از طریق مزایده عمومی به فروش برساند:

۱- انواع بشکه‌های فلزی مستعمل /بشکه‌های گریسی /بشکه های پلاستیکی (۲۲۰ لیتری)
۲- انواع قوطی‌های پرس شده، ضایعات دم قیچی، لفاف و نبشی گالوانیزه / ضایعات سه گوش بشکه سازی/ ورق بدنه بشکه
۳- انواع ضایعات آهن‌آلات: (سبک و سنگین ذوبی، لوله‌های مستعمل، تسمه بندل فیلترهای فلزی، تراشه‌های فلزی)
۴- انواع ضایعات: پلاستیک، کاغذ و کارتن، نایلون، پالت‌های چوبی، ضایعات آلومینیوم پشت لیبل، تسمه پلاستیکی، انواع استیل بگیر و نگیر
۵- مخزن ۱۰۰۰ لیتری مستعمل (IBC) / فلکسی مستعمل (۲۰ فوتی)

از متقاضیان دعوت به‌عمل می آورد برای کسب اطلاعات بیشتر و دریافت فرم‌های مربوطه جهت شرکت در مزایده و تحویل پاکات از تاریخ چاپ آگهی تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۱ از ساعت ۸ الی ۱۵:۳۰ (به‌غیر از ایام تعطیل) به دبیرخانه شرکت نفت پارس

واقع در کیلومتر ۲۲جاده مخصوص کرج مراجعه و متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد مزایده به سایت شرکت نفت پارس، بخش مزایده و مناقصه‌ها به آدرس ذیل مراجعه نمایند:
http://www.parsoilco.com/fa/tender.html

- لازم به ذکراست جهت بازدید از اقلام مازاد و ضایعاتی از تاریخ چاپ آگهی از ساعت ۸ صبح الی ۱۲ (به غیر از ایام تعطیل) به واحد فروش ضایعات و مزایده‌ها مراجعه نمایند. (شماره تماس: ۴۶۸۱۵۰۲۳-۰۲۱)
- این آگهی صرفا به منزله دعوت به مزایده می‌باشد و بدیهی است شرکت نفت پارس در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.
- به پیشنهادهای فاقد: امضاء/ مهر، مشروط، مبهم، فاقد سپرده و پیشنهادهایی که بعد ازمدت مقرر در آگهی مزایده واصل شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- انجام مزایده مشروط بر حصول شرایط قانونی، بر مبنای اسناد انجام خواهد شد.

شرکت پتروشیمی پردیس
Pardis Petrochemical Company

نوبت اول

فراخوان عمومی

شناسایی پیمانکار و دعوت به مناقصه

شرکت پتروشیمی پردیس در نظر دارد مناقصه با موضوع ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکت‌های متقاضی دعوت می‌گردد حداکثر از تاریخ درج آگهی لغایت ۱۴۰۵/۰۹/۰۴ نسبت به ثبت‌نام در سامانه برگزاری الکترونیک معاملات شرکت پتروشیمی پردیس به آدرس https://pardis.tender.paupc.ir و دریافت نام کاربری و رمز عبور اقدام نمایند. دریافت فرم ارزیابی کیفی و تکمیل فرم‌ها و ارائه کلیه مستندات مورد نیاز از طریق سامانه مذکور انجام خواهد شد.

الف) موضوع مناقصه:

انجام خدمات بارگیری، حمل و تخلیه اوره فله در کشتی مجتمع پتروشیمی پردیس
به‌شماره ۱۴۰۵-PPC/۱۳۱۶

ب) نشانی مناقصه‌گزار: عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، محدوده طرح‌های پتروشیمی، مجتمع پتروشیمی پردیس.

لازم به توضیح اینکه پس از بررسی‌های لازم، از متقاضیانی که واجد شرایط شناخته شوند (کسب حداقل امتیاز لازم از فرم ارزیابی کیفی پیمانکاران) جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت به‌عمل خواهد آمد و ارسال مدارک هیچ‌گونه حقی جهت شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد. متقاضیان می‌توانند درصورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۷۷۳۷۳۲۳۳۰۵-۸ داخلی ۲۰۲۸ (واحد امور حقوقی و قراردادها / واحد مناقصات) تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی پردیس

الوفاق
صحیفه ایران الدولیه
پذیرش آگهی‌های الوفاق
۱۸۷۷
www.al.vefagh.com